

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ جنوری ۲۰۲۳

"راسموس پالودان" و ملا "هبة الله" دوروی یک سکه!

جمعه - ۰۷ دلو ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به مشابهت های دو سیاست که طی روز های اخیر بازتاب خبری آنها در سر خط اخبار جهان قرار داشته است، جلب می نمایم: نخست مختصری از آن دو خبر: ۱- "راسموس پالودان" رهبر حزب افراطی "خط سخت" کشور دنمارک، به اجازه مقامات سوئدی در شهر ستهلم پایتخت سوئد در مقابل سفارت ترکیه، یک نسخه "قران" کتاب مقدس مسلمانان را آتش زد. ۲- به دستور ملا "هبة الله" امیر غایب نظام ملاسالار، فیصله شد تا آرامگاه منسوب به "علی" خلیفه چهارم مسلمانان که قدمت ۶۰۰ ساله داشته و با کاشی های منقش با آیات قرآن تزئین شده است، تخریب گردد. هموطنان گرامی!

در یادداشت کنونی نخست بهانه ها و انگیزه های این دو حرکت را به صورت جداگانه دیده، در نهایت خواهیم دید که در پس آن بهانه ها چه چیزی نهفته است که هر دو جانب می خواهند آن را کتمان نمایند:

۱- "پالودان" سیاستمداریست که جناح افراطی و راست سرمایه را در کشور دنمارک نمایندگی می نماید. طبق یک روال کاملاً معمول که هر سیاست مداری در هر گوشه ای از جهان می خواهد بستر و زمینه ترقی و رشد اختصاصی خود را داشته باشد، "پالودان" در کشوری مانند دنمارک که تا حدی زیادی مردم آن در رفاه اجتماعی زندگانی می نمایند و برای هیچ سیاستمداری آسان نیست تا حاکمیت ها را با عبور از سمت راست و یا چپ آنها با ارائه برنامه رفاهی و انسانی در قید و محدوده رفورم های بورژوائی پیش نماید، برای بقای سیاسی خودش و حزبش، عقب مانده ترین اقشار جامعه دنمارک و بقیه کشور های سکاندناوی - سوئد و ناروی- را نشانه گرفته، با موضع گیری تند و آتشین علیه نفوذ و گسترش روز افزون اسلام در آن کشور ها، می خواهد در رأس آن حرکت عقب مانده و ضد فرهنگی قرار بگیرد.

هرچند تا دیروز "پالودان" تلاش می ورزید تا این حرکت ضد علمی اش را به شکلی با لباس مبارزه ایدئولوژیک و فکری ارائه دهد و نقش سیاست را در آن انکار نماید، مگر از دیروز بعد از آن که این آتش زدن ها را به مخالفت "اردوخان" با عضویت سوئد و فنلند به سازمان جنگی و متجاوز ناتو پیوند داد و اردوخان را تهدید نمود که هرگاه به مخالفتش به آن موضوع ادامه دهد، باز هم قرآن را آتش خواهد زد، بسیار روشن و آشکارا نشان داد که تمام حرکات "پالودان" بخشی از برنامه های "سیا" است که می خواهد اروپا را در کل از دو "دیو" هراسان ساخته آنها را به پای

خود بیفکند. "دیوهای اسلامی" و "دیوهای روسی". از همین رو می بینیم که اسلام هراسی و اسلام ستیزی، همزمان با روس هراسی و روس ستیزی، در پیوند و به موازات یگ دیگر در تمام کشور های اروپائی گام بر می دارند.

۲- بهانه ای را که نظام ملاسالار به فرمان ملا "هبة الله" جهت تخریب آرامگاه منسوب به "علی" خلیفه چهارم مسلمانان، عجالتاً می آورد خطر ریزش و تخریب آن آرامگاه با احتمال تلفات جانی می باشد.

این نظام ضد ملی بدون آن که به روی نا مبارکش بیاورد که پیشرفت های علمی امروز در زمینه ساختمانی و استحکام بنا های تاریخی تا آن حدی پیشرفت نموده که هیچ نوع نیازی به تخریب و یا احساس تشویش باقی نمی گذارد و کافیست که به جای دستور به تخریب، به یکی از آدرسهای مخصوصی که ساختمانهای قدیم تاریخی را استحکام می بخشند، مراجعه کرد، تا مانع ریزش احتمالی آن گردید، بسیار آگاهانه و هدفمندانه و با سنگر گرفتن در عقب تفکرات "انسان دوستانه" دستور به تخریب آن صادر می نماید و بدین سان در یک رقابت لگام گسیخته با "پالودان" هزاران گاشی منقش به آیات قرآن را که ارزش هنری و تاریخی آنها با یک ورق کاغذ به نام "قران" قابل مقایسه نیست، از بین می برد.

۳- به نظر ما نفس آتش زدن و توهین این چینی به یک کتاب- مهم نیست کدام کتاب، قرآن، گنگ، کاپیتال، انجیل، تورات، اوستا و یا ...- و یک دین - اسلام، بودیزم، مسیحیت، یهودیت و یا ...- بیانگر آن است که طرف آتش زنده و مخرب، در مبارزه منطقی علیه آن کتاب و آن دین کم آورده، ظرفیت مبارزه فکری علیه آن را ندارد و بدین سان می خواهد از طریق آتش زدن و توهین شکست افتضاح آمیز و کمبود منطقی را کتمان نماید.

به علاوه آتش زدن کتاب از هر جانی که باشد مبین آن است که طرف هرچند می خواهد متاع بی ارزشش را با لباس دموکراسی عرضه نماید، مگر خود کمترین بوئی از دموکراسی به معنای "تحمل عقاید دیگران" نبرده است و به همین سان که امروز کتابی را آتش می زند در صورتی که دستش برسد و توان آن را بیابد انسان معتقد به آن کتاب را نیز آتش خواهد زد.

این تحلیل و ادعا خیالپردازی و بهتان نیست بلکه بیان گوشه ای از تاریخ است که نخست با کتاب سوزی و آتش زدن کتابها آغاز یافت و بعد تر به آتش زدن انسانها انجامید. یعنی بیان روند قدرتگیری فاشیسم در بستر تاریخ است. علی رغم آن که امروز سرمایه تلاش می ورزد تا از اعمال و جنایات فاشیسم "قبیح زدائی" نماید، با آنهم نه فرد و نه هم تاریخ فراموش نمی کنند که فاشیسم "هیتلری" و "جوانان قهوه ئی پوش" چگونه از کتاب سوزی آغاز نمودند و سرانجام با احداث آشوبتس ها و بوخوالد ها عملکرد ضد انسانی شان را ادامه دادند.

۴- یکی از مشکلات ملا "هبة الله" و نظام ملاسالار این است که مردم را مانند خود احمق فکر می کنند و تصور دارند که گویا می توانند با چنین بهانه هائی مردم را فریب داده خود را حامی و دلسوز آنها نشان دهند. این دجالان روز گار نمی خواهند بفهمند که مردم حافظه تاریخی شان را از دست نداده اند و هنوز با بمب منفجر ساختن بتهای بامیانی را که هیچ نوع خطر جانی برای بازدید کنندگانش ایجاد نمی کرد، فراموش نکرده اند، این سگان هار ارتجاع مذهبی و امپریالیسم حاضر نیستند بدانند که مردم این نیت ردیالنه آنها را که ۲۶ سال قبل می خواستند آرامگاه "علی" را به دستور عربستان سعودی و مدرسه حقانیه ویران نمایند، تا هنوز در حافظه دارند و می دانند که اینها از چندین جهت در کل با هر نوع آثار باستانی اعم از مذهبی و غیر مذهبی در تقابل قرار دارند. مردم می دانند که طالب و نظام ملاسالار ضمن آن که با کلیت فرهنگ و جنبش های آزادیخواهانه خراسان زمین دیروز که "ارامگاه علی" در پیوند با آن ساخته شده است دشمن اند و ایجاد چنین بناهایی را به نحوی تقابل با چند ساختمانی که در دنیای عرب باقی مانده می دانند،

دشمن این نوع ساختمانها هستند چون در ایجاد و پیدایش آنها هیچ اثر و نشانه ای از پدر و پدرکلان خودشان که امروز ادعای مالکیت بر افغانستان را می نمایند و دیگران را بیگانه می دانند، وجود ندارد.

اینها ها با چنین ساختمانهایی مخالف و دشمن اند زیرا تمام آنها در حوزه فرهنگی زبان فارسی - دری و متأثر از همان حوزه فرهنگ به وجود آمده اند، فرهنگی که طالب آن را دشمن خودش و بادرانش می داند.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم که دشمنی کنونی "پالودان" و ملا "هبة الله" با قرآن و یا اماکن و آثار تاریخی، سیاستی است که از جانب امپریالیسم و ارتجاع جهت به هم انداختن خلقهای جهان به آنها هدایت داده شده است. آنها هر دو، دو روی یک سکه اند سکه ایجاد تقابل بین خلقها، ملتها و کشورها تا امپریالیسم بازار فروش اسلحه اش را برای همیشه پر رونق داشته باشد. اگر اینطور نمی بود و "پالودان" مستقلانه به چنین کار اقدام می ورزید، برای سازمانهای تروریستی وابسته به امپریالیسم این نوکران زر خرید "اسیا" هیچ مشکلی وجود نداشت که وی را طرف یک و یا دو روز حذف فیزیکی نمایند و مسؤولیتش را بگذارند بر دوش تروریسم اسلامی. منتها در چنان حالتی روند اسلام هرسی و اسلام سنیزی نیمه کاره می ماند و فابریکه های سلاح سازی از تولید باز می ماندند.

و اما سخنی هم با آنهاست که عملکرد "پالودان" را بدرستی تقبیح می کنند و به سرکها می برآیند و زنده باد و مرده باد می گویند. هرگاه می خواهید دیگران به اعتقادات تان احترام قایل شود و با چنین حرکات ضد انسانی به اعتقادات و مقدسات تان توهین نکنند، بکوشید در قدم اول مسلمان شوید و از قرآن بیاموزید که ده ها بار به شما گفته به خدایان و کتب دیگران توهین نکنید تا آنها به کتب و اعتقادات شما توهین نکنند.

بیانید قبل از آن که علیه این و یا آن فرد در سویدن و یا دنمارک مظاهره کرده و زنده باد و مرده می گوئیم، در کشور خود ما در شهرهای کابل، قندهار، هرات، مزار و ... دست به تظاهرات زده ضمن آن که عملکرد جنایتکارانه دیروز طالب را که "بتهای بامیان" را تخریب کرد محکوم می نمایم، تلاش آنها برای تخریب آثار فرهنگی با قدمت بیش از ۵۰۰ سال را نیز محکوم کنیم و به دفاع از آن علیه طالب به پا خیزیم. از این زوایه به قضیه نگاه نماییم که قبر متعلق به "علی و یا عمر" است، بلکه از این منظر بدان نگاه کنیم که چنین ساختمانهایی میراث فرهنگی ۵۰۰ ساله پدران و اجداد ماست و هیچ کسی حق ندارد، تحت هیچ عنوانی آنها را تخریب نمایند. در چنین صورتیست که هم حق دفاع از قرآن را می یابیم و هم توان آن را تا با نابودی طالب و نظام ملاسالار هم از گذشته تاریخی خود دفاع کنیم و هم فرهنگ سنیزان را در هر جایی که باشند به پای میز محاکمه بکشانیم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!